

دیگه تمومه ماجرا!

(بخش اول)

امیرجواهری لنگرودی



چرا رژیم اسلامی در دل بحران‌های ادواری خویش، مرتب در حال سناریوسازی امنیتی است!؟

حکومت خود به خوبی می‌داند «دیگه تمومه ماجرا»، از همین روست که از دهم اردیبهشت تا به امروز حملات مشخص و سازمانیافته نیروهای امنیتی و آتش به اختیاران نظام یکی پس از دیگری چهره‌های نام‌آشنای فرهنگیان و سندیکای کارگران واحد را نشانه رفته است. با نگاهی به کانال‌های تلگرامی "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" و "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه"، با خبر می‌شویم در دهم اردیبهشت با حمله گازانبری و تهاجمی وحشیانه با انواع و اقسام وسایل ارباب وحشت افزای نیروهای امنیتی، به چهار خانه با دستگیری آقایان: اکبر باغانی، رسول بدافی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و بردن گوشی، لبتاپ، کامپیوتر و یادداشت‌های شخصی نامبردگان، گفتند دیگر تمام شد و دنیا به کام شد! اما دیدیم حضور فرهنگیان در اعتراضات خیابانی، ادامه یافت و آتش پیش پای ناکسان را داغ‌تر ساخت و شعله برکشید!

حمله شبانه به خانه های حسن سعیدی و داود رضوی، از شناخته شدگان سندیکای واحد، چند روز بعد حمله وحشیانه در ساعات اولیه صبح، به خانه رضا شهابی، چهره نام‌آشنای سندیکای شرکت واحد که بارها هزینه زندان را به جان خریده و آنگاه که اهالی خانه در خواب بودند، او را دستگیر کردند. این اقدام های غافل گیرانه در تهران، در روز قبل از یازدهم اردیبهشت برابر اول ماه مه، روز جهانی کارگر، برای تعطیلی کثاندن تحرکات روز خیابانی و همبستگی آنان، حول خواسته های واقعی اعتراضات فرهنگیان، بازنشستگان و کارگران و سرکوب نمودن آن تا موقتاً در آن روز تجمعی صورت نگیرد؛ هر چند که ما شاهد به خیابان آمدن فرهنگیان در بیش از پنجاه شهر و حرکت کارگران در خیابان های سقر، سنندج و میادین شهرها و کوهپایه ها و شهرهای جنوب ایران در نیشکرشوش، عسلویه و پس از آن شاهد اعتصاب وسیع رانندگان و کارگران شرکت واحد بودیم!

در ادامه این حمله های دزدانه شبانه، دیگر بار به خانه داود رضوی یورش بردند و نشانه های زندگی او و موبیل دخترش که ساکن خانه بود را غارت کردند؛ و آخرین خبری که روز پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ برابر ۱۹ مه ۲۰۲۲ در کانال تلگرامی سندیکا باز خورد پیدا کرد، حمله دیگر بار به منزل حسن سعیدی و ربودن او بود.

کانال تلگرامی سندیکای واحد خیرداد: « حسن سعیدی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد با هجوم ۹ تن از مامورین اطلاعات ، چهارشنبه شب ، ۲۸ اردیبهشت ماه بازداشت شد».

ترسیم تصویری این خبر برایم تعجب برانگیز افتاد ؛ حمله ۹ نفر به ۱ فعال سندیکایی، آنهم نه شاغل، بلکه اخراجی از کار رانندگی!

پیکره این تهاجمات و دستگیری‌های صورت گرفته در برابر رشد اعتصاب بلند قامت و استوارانه رانندگان و کارگران شرکت واحد و حمایت و پشتیبانی همه جانبه «اتحادیه راهبران متروی تهران و حومه» بیانیه مشترک «۱- سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ۲- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۳- گروه اتحاد بازنشستگان»، «اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران»، «همبستگی کارگران و رانندگان آتش نشان با اعتصاب» و ... نشان داد که نقش فعالان سندیکایی از جمله: رضا شهابی اخراجی، حسن سعیدی اخراجی، وحید فریدونی شاغل و تهاجم دوباره به خانه داود رضوی بازنشسته، در همایش اعتصاب رانندگان و کارگران شرکت واحد چیست و حضرات کودتاگر، بی آبرو شدند و دارند روی چهره‌های شناخته شده فعالان سندیکایی فشار بیشتری می‌آورند تا با ایجاد هراس، تأثیر حرکت عظیم اعتصابیون را کوچک شمارند و خود را پیروز میدان نشان دهند!

این عملکرد شرارت بار نیروهای آتش به‌اختیار امنیتی درنده خوی، قابل چشم پوشی نیست. رانندگان و کارگران شرکت واحد در حال اعتصاب‌اند، اینان کارگران اخراجی، فعال سندیکای شرکت واحد را دوره کرده‌اند، تا انتقام این اعتصاب عظیم و مؤثر را از فعالان سندیکایی‌اش بگیرند. هم اینان پیشتر نیز رضا شهابی را با تجهیز قوای امنیتی به مانند تهاجمات خونتای نظامی آرژانتین و شیلی پنبوشه، همین‌گونه با حمله شبانه به درون خانه‌اش و غارت همه وسایل و بخشی از اموال شخصی (تلفن‌های همراه، لپ‌تاپ و دیگر وسایل الکترونیکی ارتباطی آنها و اهل خانه) بازداشت کرده بودند.

این گونه تهاجمات با خشم لبریز شده جوانان و مردم به پا خاسته، در اینجا و آنجا در حال پاسخ گیری‌ست.

هدف نظام اسلامی از موج دستگیری‌ها چیست؟

دست آویز کردن فعالیت تبلیغی چهره‌های شناخته شده فرهنگی و فعالان سندیکایی در عرصه بیان نظرشان در بهره گیری از (شبکه‌های مجازی ، حضور در شبکه کلاب هاوس، گفتگو با رسانه‌های خارجی)، با حربه پرونده سازی بدون پشتوانه با اتهامات نخ نما و سناریو سازی امنیتی مبتدل و مضمنز کننده برای فعالان جنبش کارگری ایران و نشان دادن چند باره آن در تلویزیون و ابتدال آفرینی روزی نامه کیهان شریعتمداری در این رابطه تا استوانه مبارزاتی فعالان فرهنگی و کارگری را تحت هر شرایطی مخدوش سازند. اما نتایج کار عکس این را نشان می‌دهد. واکنش به موقع جنبش سندیکایی و تشکل‌های فرهنگیان درون کشور و اعلان حمایت‌های بین المللی، اقدام سازمان یافته خبر رسانی تشکل‌های فرهنگیان و خانواده‌های آنها، موج خبری روزانه از اعتصاب رانندگان و کارگران شرکت واحد و از پای ننشستن مردم در دفاع از قداست مبارزاتی جنبش مطالباتی و اقدامات خود آنها در رابطه با گرانی نان و وصول آزادی، یکایک آنان را بیش از پیش به امر مبارزاتی‌شان تشویق و راغب نموده است.

تمرکز سرکوبگران نیروهای امنیتی برای پرونده سازی علیه فعالان جنبش مطالباتی، جهت مخدوش کردن مبارزات موجود همچون «سناریوهای سوخته» و برنامه‌های «هویت» پیشین کارگزاران نظام دستگاه‌های موازی امنیتی، در برابر افکار عمومی جامعه ما، جایی نداشته و ندارد... باید این شیوه‌های شناخته شده نیروهای سرکوبگر و رسانه‌های هم آواز آنان همچون: روزی نامه کیهان شریعتمداری و خبرگزاری‌های تسنیم و فارس نزدیک به سپاه و دستگاه امنیت را بیش از پیش رسواتر نمود. این کار از ما برمی‌آید!

نکته دیگر اینکه دستگیر شدگان دیگری جدا از نام بردگان بالا، هستند: **آیثا اسداللهی، ریحانه انصاری نژاد، کیوان مهندی** و همچنین معلمان بازداشت شده در اول ماه آقاییان: **محسن عمرانی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه، محمود ملاکی، رضا اماتی‌فر و هادی صادق‌زاده، سعید مدنی** جامعه شناس و **کیوان صمیمی** روزنامه‌نگار و غیره... تماماً در ادامه نقض آزادی تشکل‌ها، حق سازماندهی و آزادی بیان است. به عبارتی حاکمیت به جای پاسخ گویی به خواست و مطالبه به حق کارگران و مزد بگیران، با پرونده سازی و سناریوهای نخ نما تلاش دارد صدای هرگونه حق طلبی را در نطفه خفه سازد.

حاصل کلام آنکه: مرتجعان اسلامی حاکم چنین تصور کرده و می‌کنند که با کشتن، تهاجم شبانه و دستگیری، شکنجه و زور می‌توانند مقاومت و مبارزه را درهم بشکنند و ایران را به سرزمین سوخته بدل سازند. زهی خیال باطل. منطق همواره ستم دیدگان و استثمار شونده‌گان، در سراسر تاریخ مبارزه طبقاتی، مقاومت و مبارزه تا پیروزی است. چنین بوده و هست تاریخ بشر تا به امروز.

رژیم چپاولگر سرمایه‌داری اسلامی و همه کارگزاران نظام، حلقه به حلقه و روز به روز، ناظر قدرت همگرایی وسیع جنبش‌های کارگری، معلمان، زنان، پرستاران و بهیاران، بازنشستگان، دانشجویان، گرسنگان و لشکر عظیم بیکاران و نیروهای حاشیه تولید و کودکان کار، جانبداران محیط زیست و دستفروشان و زنان سرپرست خانواده، اندیشه ورزان

عرصهٔ قلم و پیکار و روستائیان زحمتکش جان به لب رسیده... محاصره شده و با این سطح دستگیری‌ها، آتش خشم این جنبش‌ها شعله‌ورتر خواهد کرد.

همبستگی جهانی با جنبش کارگری ایران و دیگر جنبش‌های اجتماعی، سیمای نوینی به مبارزهٔ مردم ایران علیه حاکمان مرتجع داده است و شعار «زندانی سیاسی به همت توده‌ها، آزاد باید گردد»، به فریاد بلند زنان و مردان مبارز جامعهٔ ایران تبدیل شده است. هیچ نیرویی با بگیر و ببندهایش نمی‌تواند جلو این توفان برخاسته و سهمگین از پائین، از کف خیابان‌ها، از کارخانه‌ها، جاده‌های خاکی و حاشیه‌ها را سد کن؛ «دیگه تمومه ماجرا» !

یا ما سرخصم را بگوئیم به سنگ

یا او سر ما به دار سازد آونگ !

جمعه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ برابر با ۲۰ می ۲۰۲۲